

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

یکشنبه ۱۴ اگست ۲۰۲۱

هشت صبح - ۲۳ اسد، ۱۴۰۰

با تبصره استقلال خیلواکی

تنظیم: م. نظام

تغییر برق آسای وضعیت و آینده مبهم زنان

شکریه بارکزی



نزدیک به ۲۵ سال قبل - سپتامبر ۱۹۹۶ - زمانی که طالبان قدرت را در دست گرفتند، زنان یکی از مهم ترین بخش های جامعه بودند که به حاشیه رانده شدند و در آستانه حذف قرار گرفتند. حق تحصیل و کار و حضور اجتماعی، از زنان گرفته شد.

اکنون در آستانه خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان - در سپتامبر ۲۰۲۱ - گروه طالبان بار دیگر به طور عجیب، با خلق وحشت و استفاده از زور، در حال پیش روی در کشور است. مردم افغانستان در بیست سال گذشته، به سختی برای آینده بهتر تلاش کردند و اکنون با پیش روی طالبان امکان بازگشت به نقطه صفر وجود دارد. در دو دهه اخیر، نسل جدیدی در افغانستان پدید آمده است و اکنون سرنوشت این نسل زیر تهدید طالبان قرار دارد.

با توجه به ایدئولوژی زن ستیزانه طالبان و گروه های هم فکرش، هویت و حیات زنان با تهدید روبه رو است. هویتی که در سال های اخیر با مبارزه خسته گی ناپذیر و قربانی دوام دار و با حمایت جامعه جهانی شکل گرفته بود و زنان بخش قابل توجهی از حقوق شان را به دست آورده بودند.

زنان افغانستان که در سال‌های اخیر به مدرسه، پوهنتون، محیط کار و جامعه بازگشته، با حضور شان در همه عرصه‌ها، به شمول سیاست، اقتصاد، امنیت، ورزش، تکنولوژی و هنر، استعداد و توانایی شان را به نمایش گذاشته‌اند و نمی‌خواهند با سرنیزه طالبان به پستوی خانه‌ها بازگردند و محدود شوند.

رویکرد طالبان این بار در برابر زنان به مراتب نسبت به گذشته عقده‌مندانه، خشونت‌بار و غیر قابل تحمل شده است. در ۴۳ سال گذشته، زنان و کودکان قربانی جنگ بودند و با جسم، روح و روان شان، درد جنگ و خشونت را حس کردند. این در حالی است که اکنون به نام صلح، بدون رضایت و رغبت زنان، به این قشر به عنوان برده جنسی نگاه می‌شود و زنان مجبور به ازدواج اجباری با جنگ‌جویان گروه‌های مختلف می‌شوند.

عمل کرد گروه‌های افراطی - طالبان، داعش، نهضت اسلامی ازبکستان، تحریک طالبان پاکستان، جنگ‌جویان چینی و اویغور و سایر گروه‌هایی که عملاً در میدان نبرد در افغانستان حضور دارند، خشن است و انتقام‌سختی از مردم و به خصوص دختران و زنان این کشور می‌گیرند. کشتن زنان شاغل در اداره ملکی ولایت هرات به جرم این که کارمند دولت بودند، یکی از نمونه‌ها است. این افراد توسط گروه طالبان در بین موتر به قتل رسیدند. گفته می‌شود که طالبان در مالستان غزنی، زنی را به گلوله بستند که در نتیجه آن، آن زن چشم‌هایش را از دست داده است.

روایت نفرت و قباحت طالبان در شمال افغانستان متفاوت است. آنان در جست‌وجوی دختران جوان هستند تا به جبر آن‌ها را به عقد خود بیاورند و مانند برده‌های جنسی از آن‌ها استفاده کنند. برای این کار، طالبان تلاشی خانه‌به‌خانه را انجام می‌دهند.

در جنوب افغانستان - در ولسوالی دند ولایت قندهار - و ولایت غزنی، صد‌ها انسان بی‌دفاع و ملکی تیرباران شدند. نسل‌کشی آن‌ها از جانب سازمان ملل نگران‌کننده گفته شده است. غنیمت‌پنداشتن زنان در جنگ‌ها و به برده‌گی جنسی رفتن آنان، خطراتی است که فراتر از حذف از جامعه، زنده‌گی و حیات زنان و دختران افغانستان را تهدید می‌کند.

دریغا که من باید به دخترانم همان داستان امید به آینده را حکایت کنم که مادرم عزیزه به من می‌کرد.

روایت درد و رنج مردم این کشور، قصه‌های ناتمام است که نسل‌اندر نسل تا پوست و استخوان، ما را سوختانده است.

حال این سرزمین سوخته که لابراتوار سلاح های کهنه و جدید بود و است، میدان مشق و تمرین نظامیان کشورهای دوست و دشمن به طور رسمی و غیر رسمی و جغرافیای تقاطع منافع قدرت های بزرگ با میلیون ها قربانی - اعم از زنان و کودکان - نیز شده است. شعار های «مبارزه با تروریسم جهانی» آقای جورج دبلیو بوش و افکار بلند پروازانه اوباما «به دست آوردن قلب و فکر» یا سخنان دونالد ترمپ «از طالبان انتقام می گیریم»، از یاد رفته است. آنچه به خاطر مانده، سخنان رییس جمهور بایدن است: «بیایید در مورد چیزهای شاد صحبت کنیم.»

تبصره استقلال خپلواکی:

درین شکی نیست که خانم بارکزی حقایق زیادی را در زمینه احوال زنان و دختران در افغانستان در دو دهه اخیر بیان نموده، ولی جای تعجب است که معتقد به این می باشد که در سپتمبر سال ۱۹۹۶ که طالبان حکومت مشنت، پراگنده و چند بعدی تنظیم های جهادی را شکست داده و دولت ربانی را دست از پا دراز تر مجبور به فرار ساختند، طوریکه با چور و چپاول دارایی های ملی و بانکی به خواجه بهاءالدین پناهنده گردیدند، اوضاع زنان افغان در مملکت از نظر وی گل و گلزار بوده و حقوق طبقه اناث مملکت در حفظ و امان قرار داشت، یعنی که باید حتماً صلح و سلم در سرزمین ما موجود بوده باشد. نامبرده طوریکه مطالعه فرمودید چنین می نویسد: " نزدیک به ۲۵ سال قبل - سپتامبر ۱۹۹۶ - زمانی که طالبان قدرت را در دست گرفتند، زنان یکی از مهم ترین بخش های جامعه بودند که به حاشیه رانده شدند و در آستانه حذف قرار گرفتند. حق تحصیل و کار و حضور اجتماعی، از زنان گرفته شد."

در حقیقت بعد از سقوط سلطنت به صورت عموم و کودتای منحوس ثور بصورت خاص، قیودی که در هر دوره بر اجتماع افغانی تحمیل گردید، به تدریج شرائط حیات زنان افغان را در قید و بند های گوناگونی به تغییرات مواجه ساخت. از همان آغاز وادار ساختن قشر اناث شهری به عقاید چپی و کمونیستی که بر خلاف باور و عنعنات اجتماعی و مذهبی و خانوادگی آنان بوده، انحرافی بود سنگین در احوال زن و دختر همان عصر و زمان. کودتای ثور با کشتار های ملیونی، بمباردمان ها، خون و آتشی را که در فضای پر از صلح و صفای افغانستان عزیز به وجود آورد، بیشتر مصائب را بر زنان و اطفال شان تحمیل نمود و ملیون ها زن و یتیمان آنان با اجبار ترک سرزمین خویش کردند و تا امروز در کشورهای همسایه و دیگر سرزمین ها نالان و آواره گردیدند.... کدام حق تحصیل و کار و حضور اجتماعی برای اکثریت آن بینوایان، مگر موجود بود؟!

بعد از تصرف کابل و تقسیم و ترکه پایتخت ذریعه تنظیم های جهادی تربیت یافته پاکستان و ایران و حکومت غصب نموده کاملاً ناکام ربانی - مسعود، آنچه از پامالی حقوق انسانی و جنایات بیسابقه بشری را صفحات تاریخ غرق در خون بیاد دارد، روی انسانیت کاملاً سیاه گردیده است.

خانم شکریه بارکزی! در پهلوی آتش سوزانی که جنگسالاران سخیف و جنایت پیشه جهادی بر زنان و اطفال شهر روشن نمودند، با بی عفتی و تجاوزات بر آن بینوایان بی دفاع، مغز استخوان هر انسان رحم دلی را میسوزاند.... در مورد راکت پرانی های بیدریغ مسعود- حکمتیار شاهکار های گوناگونی چون «**قتل عام افشار**» هم در تاریخ ثبت گردید.

حال، این زنان و دختران که از مزایای حقوق و امتیازات اجتماعی در آن عصر برخوردار بودند، این ها در کجای پایتخت بسر میبردند؟ این قشر مظلوم اجتماع را مگر اعلامیه حقوقی «**برهان الدین ربانی**» که مقید تر از اساسنامه اجتماعی طالبان در دوره بعدی بود، می گذاشت که پا از چهار دیواری منزل بیرون بگذارند و حق تحصیل، کار و امور اجتماعی داشته باشند؟! آیا خانم بارکزی منحیث یک خانم تحصیل کرده و قانون گزار پارلمان افغانستان، آن مقررۀ ضد اعلامیه حقوق بشر را با همه مواد تاریک و مختنق آن مطالعه نموده است؟!!

حال، در سال ۱۹۹۶ که طالبان گلیم جنایات تنظیم های جهادی را جمع و آنان را وادار به فرار ساختند، شکی نیست که در ابتداء دو کار پسندیده انجام دادند، یکی اینکه امنیت را در اجتماع بعد از آن دوره خونین به میان آوردند و دوم کشت و تجارت مواد مخدره و کوکنار را به صفر تنزیل دادند. دیری نگذشت که با تصرف شهر ها و کسب قدرت بیشتر، جنایات نوع طالبی و کشتار و جنگ آغاز گردید، در پهلوی تشکیل یک اجتماع نهایت عقب افتاده و متشتت، حقوق زنان بکلی معدوم گردید و آنچه را اسلام برای این قشر اجتماع افغان روا داشته بود، اثری دیده نشد که نشد. زن محبوس در منزل بدون محرم و شوهر نتوانست برای تداوی طفل مریض تا شفاخانه و یا داواخانه برود. اعدام و حتی سنگسار زنان در حضور جمیعت و شلاق زدن زن در ملای عام کاملاً روا گردید. همه وسایل تفریح، شنیدن موزیک و نواختن آن کفر محسوب گردیده و مرتکبان سخت مجازات شدند.

مؤسسات دولتی از تشکیلات حقوقی و خاص مبراء گردید و اصول اداری منتفی شد. طالبان ارشد بیشتر به نام مسئول ادارات بودند و خود و فامیل در خاکی که پرورش یافته بودند، یعنی پاکستان در کمال آسایش بسر میبردند و پیشبرد امور اداری را نه بلد بودند و نه معتقد به اجرای کار های راکد مراجعین که با ترس و لرز هفته ها و ماه ها به دفاتر مراجعه می نمودند.

در مورد بیست سال اخیر گفتنی بسیار است که درین مختصر نمی گنجد، ولی حال که طالب باز هم به تصرف سرزمین مقدس ما اشتغال دارد، گروهی است نهایت وحشی و ددمنش و عقب گرا، برعکس حال با تجارت مواد مخدره تمویل میگردد و سرمایه های ملی افغانستان چون معدنیات را برای تبادل با اسلحه و مصارف جنگ و کشتار بکار میبرد، توانایی یک اجتماع سالم ولو اسلامی را با در نظر داشت احترام به کرامت انسانی و ارزشمندی به حقوق زن و مرد افغان هرگز نخواهد داشت. آنچه را اعلامیه حقوق بشر برای یک اجتماع مترقی امروزی برای زنان و مردان تجویز می نماید، از فهم و باور این گروه متعلق به آی اس آی مخوف پاکستان بدور است. امریکا با پالیسی همیشه غلط خارجی، باز هم اشتباه غیر قابل جبرانی را مرتکب گردید، که از انعکاس آن مصون نخواهد ماند.